

به نام خدا

خلاصه ای از فصل ۵ و ۴ کتاب اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) - یحیی فوزی

تنظیم: هاجر رضانی، فائزه نجفی استاد: یزدان بخش

فصل چهارم - جهت گیری ها و اهداف حکومت اسلامی

بحث حکومت اسلامی و جنبه های مختلف آن در کتاب های مختلف سیاسی امام از جمله کتاب ولایت فقیه - کتاب کشف الاسرار به تفصیل مطرح گردیده است.

منبع جامع نظریات سیاسی ایشان همان مجموعه ی گسترده ی ((صحیفه ی نور)) است، که در دسترس همگان قرار دارد.

امام در عرصه ی سیاسی به اهداف متعالی می اندیشد و حکومت اسلامی را عرصه ی تحقق چهار هدف اصلی می داند:

۱- استقلال ۲- عدالت ۳- هویت ۴- آزادی.

استقلال به عنوان یک هدف اصلی شعار نخست انقلاب نیز به شمار می رود که خود جنبه های مختلفی از جمله استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی (عدم وابستگی به واردات بی رویه ی محصولات بیگانگان) و به ویژه استقلال فرهنگی را شامل می شود.

امام استقلال را به منزله ی ارزش حیات و نیز رهاشدن از قید بیگانگان و سلطه ی مستکبران می داند.

اصل ((نه شرقی- نه غربی)) که به وسیله ی ایشان از صدر انقلاب مطرح گردید به عنوان راهکار اصلی رسیدن به استقلال به ویژه در عرصه ی سیاسی است. هرچند رابطه با کشورهای مختلف را به صورت برابر و به دور از سلطه و سلطه گری مورد نظر دارد و انزوای سیاسی را به شدت رد می کند؛ آنجا که می فرماید: « ما نمی خواهیم در کشوری زندگی کنیم که معزل باشد... این غیر معقول است. دنیا امروز مثل یک عائله و یک شهر است که همه ی محله های آن باهم ارتباط دارد. باید با کشورهایی که با ما هستند و دشمن نیستند رابطه داشته باشیم تا وقتی که به ما تعدی نکرده اند با آن ها می سازیم...»

عدالت محوری ترین جهت گیری امام از دیدگاه سیاسی و اجتماعی به شمار می رود. هدف و رسالت اصلی پیامبران همانا برقراری عدالت در جامعه ی بشری بوده است. از طرفی ذات و فطرت بشری ظلم و جور را برنمی تابد و گرایش به عدل و انصاف دارد.

وجه دیگر عدالت برقراری سنت های الهی مبتنی بر عدل و موازین آن می باشد. خدا را عادل می دانیم در نتیجه هم در بعد تکوینی و آفرینش عالم و هم در بعد تشریحی و قانون گذاری، خداوند را عادل می شماریم. حکومتی که می خواهد مبنایی الهی داشته باشد لاجرم باید سمت و سویی عادلانه درپیش گیرد.

احکام اسلام به عنوان ابزار باید در خدمت حق و عدالت قرار گیرد تا زمینه ی توسعه ی معنوی و انسانی در جامعه فراهم گردد. امنیت پایدار در یک جامعه محصول احساس عدالت و عدم تبعیض میان قشرهای مختلف مردم است. پس به عنوان تکلیف انسانی و دینی همه ی مسئولین حکومت اسلامی مکلف هستند عادلانه رفتار کرده و در مقابل عملکرد زیردستان احساس مسئولیت نمایند.

امام عدالت را در سطوح مختلف مطرح و آن را به عنوان صفت پروردگار عالم معرفی می کنند. همچنین عدالت صفت اخلاقی انسان به شمار می رود و به عنوان وزنه ی تعادل میان تمام قوای وجدانی انسان عمل می نماید.

مهم ترین شاخص عدالت در جامعه، محرومیت زدایی و کاهش فقر و فاصله ی طبقاتی است که در قانون اساسی نیز در اصول مختلف به ویژه فصل سوم تحت عنوان «حقوق ملت»، به آن پرداخته شده است.

واژگان مستضعفان، پابرهنگان و ... بیانگر نظر ایشان در حوزه ی فقرزدایی و حرکت جامعه به سوی جامعه ی بی طبقه ی توحیدی است.

سومین هدف حکومت اسلامی از دیدگاه امام انسان سازی و احیای هویت انسانی است. قبل از ایشان روشنفکرانی مانند اقبال لاهوری، سید جمال اسدآبادی، مرحوم شریعتی و جلال آل احمد و دیگران بحث هویت و بازگشت به خویشتن را مطرح کردند.

امام خودشناسی را مقدمه ی استقلال ملی معرفی می کند و علت عقب ماندگی و ضعف مسلمین را در بی هویتی و تجدد وارداتی از غرب به جهان سوم می داند. در تحلیل محتوای نوشته های ایشان به واژگانی چون شرقی، ایرانی، اسلامی، شخصیت ایرانی، انسان اسلامی، مغز شرقی و ... می رسیم که بیانگر نگرش عمیق ایشان نسبت به احیای هویت

ملی دینی ایرانیان در مقابل غرب زدگی و تجدد است. ایشان معتقد است: « شرق یک فرهنگ اسلامی دارد که مترقی ترین فرهنگ است و با این فرهنگ باید تمام احتیاجاتش را اصلاح کند و دستش را پیش غرب دراز نکند. »

نفی غرب زدگی و خودباختگی از نظر ایشان برای حفظ هویت ملی ضروری است و تکیه بر فرهنگ اسلامی و بومی به عنوان یک مکتب فکری مورد تاکید ایشان است.

امید به آینده و تلاش جهت سازندگی، حاصل احیای هویت ملی و دینی است که منشا تحولات بزرگتر در جامعه خواهد شد و در نهایت به یک کشور مستقل از وابستگی به قدرت های بزرگ می انجامد. ایشان به نقش تعلیم و تربیت و سرمایه گذاری در فرهنگ اشاره می کنند تا با تهذیب انسان ها زمینه ساز تحولات فراگیر در جامعه گردد.

چهارمین هدف در حکومت اسلامی، گسترش آزادی های مدنی و اجتماعی است. استبداد در سرکوب آزادی ها و جنبش های آزادی خواه خود را نشان می دهد. امام با تجربه ی سرکوب گری در حکومت پهلوی، آزادی را به عنوان شعار مهم انقلاب مطرح می کند.

ایشان آزادی را امری فطری و خدادادی برای بشر می دانند و اسلام را به نوعی بنیان گذار آزادی در جهان معرفی می کنند.

وی در مصاحبه با اوریانا فالاجی، آزادی را این گونه تعریف می کند: « آزادی مسئله ای نیست که تعریف داشته باشد، مردم عقیده شان آزاد است، کسی به شما الزام نمی کند حتما باید این راه را بروید...»

محدوده ی آزادی ها از نظر ایشان، احکام و حدود قانون الهی است و گروه ها و احزاب در امور قانونی آزاد هستند البته خط قرمز ایشان در این موضوع، فساد و توطئه است. یعنی آزادی در حدی در جامعه گسترش می یابد که منجر به فساد و یا توطئه ی گروه های برانداز علیه نظام نگردد. ایشان آزادی مطبوعات را برای رشد و ترقی جامعه مطلوب می شمارند و گسترش احزاب را برای مصالح کشور مفید می دانند.

آزادی در کنار شرع اسلام برای امام یک اصل محسوب می شود، آنجا که ایشان می فرمایند: « ما آزادی که اسلام در آن نباشد، نمی خواهیم ... آزادی در پناه اسلام می خواهیم ... وقتی اسلام نباشد؛ وقتی پیغمبر اسلام مطرح نباشد؛ وقتی قرآن مطرح نباشد؛ هزار تا آزادی باشد. ممالک دیگر هم آزادی دارند؛ ما آن را نمی خواهیم. اسلام است که برای ما آزادی، یک آزادی سالم، آزادی صحیح تأمین می کند. » این بیانگر اصل نظر ایشان پیرامون آزادی مشروط به احکام دین می باشد.

فصل پنجم - دیدگاه امام خمینی درباره ی سیاست های خارجی و روابط بین الملل

امام خمینی یکی از شخصیت های مذهبی و سیاسی معاصر است که با مبانی فقهی و اعتقادی به دنیای سیاست می نگرد؛ که به شرح زیر می باشند:

الف: نفی سلطه بیگانگان (نفی سبیل)

قاعده ی نفی سبیل در واقع همان عدم سلطه ی کفار یا بیگانگان بر مسلمین یا جامعه ی اسلامی می باشد که در سوره ی «نساء آیه ۱۴۱» به آن اشاره شده است.

مخالفت با هرگونه مداخله و سلطه و نیز استعمارگری از ویژگی های نظریه امام خمینی می باشد؛ آن جا که صریحا اعلام می کند: « ما منطق مان، منطق اسلام، و آن این است که نباید تحت سلطه ی غیر باشیم. ما می خواهیم سلطه غیر نباشد... اجنبی نباشد. »

ب: نفی ظلم و ظلم پذیری

در آیات مختلف قرآن ملاحظه می کنیم به مسئله ی ظلم و ستم و نکوهش آن می پردازد. در سوره ی «بقره آیه ۱۲۴» خداوند عالم می فرماید: « عهد و پیمان من به ظالمان نمی رسد ».

امام نیز در تقریرات خویش بارها و بارها به مبحث عدم ظلم پذیری مسلمین پرداخته اند و در عرصه ی حکومت و سیاست به دولت های منطقه اعلام نموده اند که دولت اسلامی اجازه ندارد به حریم دیگران تجاوز نماید و این تعهد الهی، اساس نظام اسلامی است.

ج: حفظ استقلال و عدم وابستگی

امام بر اساس آموزه های دین اسلام، ارزش حیات و زندگی بشر را، عدم وابستگی و استقلال و آزادی می دانند و سیاست دولت اسلامی را عدم مداخله ی متقابل در امور دیگر کشورها و حُسن همجواری و حفظ مصالح ملی را مبنای سیاست خارجی اعلام می کنند.

ایشان وابستگی را از ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی موجب ذلت و بیچارگی ملت قمداد کرده و مبارزه با آن را برای برون رفت از استعمار و به بردگی رفتن منابع انسانی تنها راه نجات انسان ها می دانند.

ایشان صراحتاً اعلام می کنند: «تا من هستم از اصول نه شرقی، نه غربی عدول نخواهم کرد. تا من هستم دست آمریکا و شوروی را در تمام زمینه ها کوتاه خواهم کرد.»

د: حفظ تمامیت ارضی

در نگرش امام نسبت به سیاست خارجی، هدف اصلی حفظ دارالاسلام است. در واقع همان تمامیت ارضی اولویت اصلی ایشان می باشد. در دوره ی دفاع مقدس، ایشان مکرراً تمامیت ارضی و دفاع از سرزمین اسلامی را مطرح می کردند و آن را از ضروریات زندگی مردم می شمردند. ایشان به صراحت اعلام می کنند: «دفاع از کشور مسلمین یکی از واجبات است.»

ه: پایبندی به روابط متقابل و عدم مداخله

امام خمینی در صحیفه ی نور بارها بر روابط مسالمت آمیز و حسن همجواری با همسایگان و سایر ممالک تاکید کرده اند؛ آن جا که می فرمایند: «با احترام متقابل نسبت به سایر کشورها عمل شود. نه به کسی ظلم می کنیم و نه زیر بار ظلم می رویم. اگر کشورها بخواهند به ما تحمیل کنند آن را نمی پذیریم. اگر احترام ما را حفظ کنند ما هم احترام متقابل را حفظ خواهیم کرد...»

و: پایبندی به قراردادهای بین المللی

در دیدگاه امام خمینی، پایبندی به عقود و پیمان های بین المللی براساس قاعده ی فقهی «اوفو العهد» و «المسلمون عند شروطهم» واجب شمرده شده است. ایشان در پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ ملل متحد مبنی بر آتش بس میان ایران و عراق، نشان دادند در روابط بین الملل آن جا که قرارداد می تواند منافع ملی را تامین کند، به آن پایبندی نشان می دهند.

ز: روابط با مسلمین و دفاع از آن

از دیدگاه امام خمینی که ماخوذ از کتاب و سنت می باشد، دفاع از مسلمین واجب می باشد. ایشان در صحیفه ی نور می فرمایند: «ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی مهیا هستیم... ما دست برادری به تمام ملت های اسلامی می دهیم و از تمام آن ها برای رسیدن به هدف استمداد می کنیم». ایشان مکرراً به مسئولان سیاست خارجی ایران و نمایندگان ایران در کشورهای دیگر توصیه می کردند عوامل تفرقه افکن و اختلاف انگیز را از مسیر راهشان بردارند.

اعلام هفته ی وحدت در سالروز ولادت پیامبر اکرم در هفدهم ربیع الاول توسط ایشان، یکی از پایه های وحدت مسلمین می باشد.

ح: صدور انقلاب

امام به تبعیت از رسول اکرم، یکی از اهداف دولت اسلامی را دعوت ملت های دیگر به ارزش های معنوی انقلاب اسلامی معرفی می کند. البته عمده ی مخاطبان ایشان ملت های مسلمان هستند که به دلیل وحدت در کتاب و سنت بهتر می شود بر آن ها تاثیر گذاشت. امام برای ابهام زدایی از صدور انقلاب به صراحت اعلام می کند که صدور انقلاب به معنای کشورگشایی نیست، بلکه ارزش های معنوی را می خواهیم جوامع دیگر بپذیرند. در واقع انقلاب ما انقلابی فرهنگی و معنوی است و هدف ما بیدار کردن ملت های دیگر است تا از ابرقدرت ها فاصله بگیرند و از تحت سلطه بودن نجات یابند.

یکی از نمونه های دعوت ایشان از عقلای ملت های غیر مسلمان، پیام گران بهای ایشان به میخایل گورباچف، صدر هیئت رئیسه ی اتحاد جماهیر شوروی، بود. در پیام تاریخی ایشان به گورباچف، سقوط کمونیسم و مادی گرایی پیش بینی شده است. دلیل آن را هم عدم توجه نظام های کمونیستی به وجود خدا دانسته اند.

هدف نهایی امام از صدور انقلاب، زمینه سازی برای حکومت جهانی اسلام است.

ط: دفاع از مستضعفان و محرومان

مبنای دفاع از محرومان و مستضعفان در اندیشه های امام، ریشه ی قرآنی دارد. ایشان مردم را مخاطب خویش قرار می دهند: «اگر در یک گوشه ی دنیا، خطری برای یک برادر پیش آمد، در گوشه ی دیگر دنیا نباید بی تفاوت باشند؛ باید قیام کنند برای رفع ظلم».

ایشان وظیفه ی نظام و ملت اسلامی می دانستند که برای نجات ملت های مظلوم و تحت ستم اقدام کنند. پیشنهاد تاسیس بسیج مستضعفین در آغاز انقلاب در همین راستا بوده است. امام می فرماید: «ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم زیرا اسلام پشتیبان مستضعفان است».